

## سی و سه پل

این پل که در نوع خود شاهکاری بی نظیر از آثار دوره سلطنت شاه عباس اول است، به هزینه و نظارت سردار معروف او الله وردیخان بنا شده. این پل در حدود 300 متر طول و ۱۴ متر عرض دارد و طویل ترین پل زاینده رود است که در سال ۱۰۰۵ هجری ساخته شده است. در دوره صفویه، مراسم جشن آبریزان یا آبپاشان آرامنه در کنار این پل صورت می گرفت. آرامنه جلفا، مراسم «فاج شویان» را نیز در محدوده همین پل برگزار می کرده اند. پل مزبور یکی از شاهکارهای معماری و پل سازی ایران و جهان محسوب می شود.

به روایتی دیگر:

این پل در سال (۱۰۱۱ ه.ق) باهتماج اللهوردیخان سپهسالار شاه عباس و بنا به فرموده شاه مزبور شروع به ساختمان گردید و به طوری که در عالم آرای عباسی نوشته شده دارای چهل پیشمه (دهانه) بوده که از هر پیشمه آب فارچ می گردیده، پلی بسیار عریض و طویل و مرتفع، شالوده آن با سنگ و آهک ریخته شده و با آجر و گچ بالا رفته و دو طرف پل غرفات و غلام گردشهای بلند فوقانی ساخته و پیشمه های زیرینش زیاد با عرض و مرتفع و طول آن ۳۵۰ قدم و عرضش بیست قدم و شش محبر باین شرح داشته است:

۱- راه وسط که مخصوص عبور سواره و گردونه‌ها بوده است. ۲ و ۳ دو طرف پل که از میان گالریهای زیبا می‌گذشت و به پیاده‌رو تفصیص داشت. ۴ و ۵ پشت بامهای گالری از دو طرف که دور آن نرده داشته و موقع طغیان رود تفرجگاه باشکوهی بوده است، سرانجام گالریهای پل به وسیله پله‌های ظریف بزیر پل متصل می‌شد و از زیر پل هم موقع کم آبی عبور می‌کردند. ۶ از زیر پل بود.

مسامت این پل را سیامان انگلیسی چهارصد و نود یارد تعیین کرده‌اند. هفت دهانه این پل گرفته شده و اکنون ۳۳ دهانه دارد و از این رو به پل ۳۳ چشمه شهرت دارد.

این پل را بنامهای: پل شاه عباسی - پل اللهوردیخان - پل جلفا - پل چهل چشمه - پل سی و سه چشمه خوانده‌اند و وجه تسمیه هر یک چنین است: ۱- پل شاه عباسی از آن جهت گویند که شاه عباس اول دستور بنای آن را داده است و چون بمباشرت و اهتمام اللهوردیخان ساخته شده به پل اللهوردیخان معروف گردیده و از لحاظ اینکه معبر مردم به جلفا بوده آن را پل جلف هم گفته‌اند و چون در ابتداء چهل چشمه داشته پل چهل چشمه و اینک سی و سه چشمه دارد به پل سی و سه چشمه اشتهار دارد.

این پل برای اتصال خیابان چهار باغ کهنه عباسی به خیابان چهارباغ بالا و باغ هزار جریب و عباس آباد ساخته شده است. این پل در جشن آبریزگان و آب پاشان محل اجتماع شاه و بزرگان و شعراء و رجال و سایر مردم بوده است.

شرمی را که سرپرستی سایکس انگلیسی راجع به این پل نوشته از نظر اینکه بسیار دقیق و وضع پل را در آخر قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم هجری مجسم می نماید عیناً در اینجا نقل می گردد:

خیابان با شکوه چهارباغ از یک طرف به پل اللهوردیفان کشیده می شود، که با این که مالیه روی بویرانی نهاده محذا از پل های درجه اول عالم به شمار می آید، اینجا از یک شاهراه سنگ فرش شده وارد مدفل عمومی پل می شوند شکل فوق العاده و شگفت آور این پل که ۳۸۸ یارد طول آنست مقابل یک جاده سنگ فرش شده ای به عرض ۳۰ پا بدین قرار ایت که در آن سه معبر در سه سطح مختلف تعبیه شده که یکی از آنها راه معمولی روی پل است که در دو طرف آن طاق نماهای سرپوشیده ساخته اند. طاقنماها از طرفی رودخانه و از طرفی به همین جاده مشرف می باشند، در بالا و پائین این طاقنماها که با تابلوی نقاشی شده تزیین یافته بود هر کدام یک پیاده رو هائی است که با پله کانه باین راه اصلی وصل می شود و در کنار سطح رودخانه معبر دیگری است که به طول رودخانه امتداد می یابد.

تنها انتقاد مخالفی که برای ساختمان این پل می‌شود کرد و آن از تصویر هم نمایان است آنکه، پل مزبور در مقابل جریان ضعیف و باریک زنده رود در بیشتر فصول سال بیش از، اندازگی جنبه ظرافت دارد.

در تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان درباره این پل تاریخی چنین نوشته است:

در انتهای جنوبی خیابان چهارباغ پل اللهوردیخان است که به نام بانی و سازنده آن خوانده می‌شود و در همان موقعی که شاه عباس دستور کاشتن درختان چهارباغ را می‌داد رفیق و سپهسالار شاه نیز در ساختمان این پل به وسیله آجر و سنگ تراش فعالیتی به فرج می‌داد، وضعیت این پل با قدیمش تفاوت زیادی نکرده است. ایوانچه‌ها و غرفه‌های زیبا و متناسب طرفین پل که جای نشستن اهالی و عبور و مرور است به همان حالت اولیه باقی مانده است. طول این پل ۲۹۵ متر و عرضش ۷۵/۱۳ متر می‌باشد. نوشته‌اند که در ابتدا چهل چشمه داشته و به تدریج سی و سه چشمه شده در سنوات اخیر قسمت زیادی از بستر رودخانه را تصرف کرده و اشجاری غرس نموده بودند به طوری که چند چشمه پل از عبور آب محروم گشته ممکن بود بگلی متروک شود وی در سال ۱۳۳۰ که آقای مصطفی فان مستوفی ریاست شهرداری اصفهان را داشت شهادت و شجاعت به فرج داد و اراضی مزبور را از تصرف غاصبین خارج و مجرای عبور آب چشمه‌ها را باز کرد و اقدام به ساختمان دیوارهای

سنگی در طرف شما رودخانه نموده که نوز آثارش پابرجا و عملیاتش زبازرد مردم این شهر است. در دوره صفویه آرامنه مق داشتند تا میدانی که اول پل امدات شده بود جمع شوند و مالالتجاره و صنایع فویش را با صنعتگران اصفهانی تبدیل نمایند و مق داشتند از این پل عبور کرده داخل شهر شوند در جل این پل مجسمه رضا شاه کبیر بر روی ستونی با ارتفاع ۵ متر دیده می شود که اسبی سوار و به طرف شما متوجه است اطراف این مجسمه فعلاً میدان ۲۴ اسفند و با میدان مجسمه نامیده می شود.

در شمال شرقی پل یعنی اول خیابانی که به طرف شرق امتداد دارد سافتمان آجری است که بیاد مقبره کمال الدین اسماعیل (قبرش در جهانباره است) ساخته شده و خیابان مزبور به نام آن بزرگوار نامیده می شود که به طرف پل جوئی و فواجو امتداد دارد.

به طوری که ملاحظه شد گفتار تاریخچه ابنیه تارخی اصفهان وضع پل زاینده رود را در گذشته و حال تشریح کرده و اقتضاء داشت که برای استمضار سرگذشت پل ایام گوناگون درج گردد.

تاورنیه سیاح فرانسوی راجع باین پل در سفرنامه خود که نظم الدوله ابوتراب نوری آن را ترجمه کرده چنین نوشته است:

پلی که در وسط فیابان تقاطع می‌کند موسوم به پل الهوردیفان که بانی آن بوده است می‌باشند و آن را پل جلفا هم می‌گویند. این پل تمام از آجر و سنگ بنا شده و سطح آن بیک میزان است. دو طرف آن از وسطش پست‌تر نیست، ۳۵۰ قدم طول و بیست قدم عرض دارد و زیر آن چندین چشمه و طاق از سنگ ساخته شده که فلی پست و کم ارتفاع است، در دو کناره پل راهروی به عرض هشت نه پا و به طول تمام امتداد پل که چندین طاق با پایه‌های مرتفع به ارتفاع ۲۵ یا ۳۰ پا سقف آن را نگاهداشته‌اند دیده می‌شود، اشخاصی که می‌فروهند هوا فوری کنند وقتی که فیلی گرم نباشد از بالای سقف راهروها عبور می‌نمایند، اما معبر معمولی از زیر آن راهروها است که به منزله نرده و نگهبان است و روزه نهائی به طرف رودخانه دراد که هوای لطیف و فنک از آنه داخل راهرو می‌شود. زمین راهرو از سطح پل فیلی بلندتر است و به توسط پله به راهتی بالای آنها می‌روند. فضای وسط پل مخصوص عبور گاری و دواب است و تقریباً ۳۵ پا عرض دارد. یک معبر دیگر هم دارد که در تابستان و وقع کمی آب به واسطه فنکی فیلی مطبوع است و آن از میان خود رودخانه است در خط مخصوصی که تخته سنگها نزدیک هرم اتفاق افتاده می‌توان از روی آنها رد شد بدون اینکه پا تر بشود. از تمام دهنه‌های زیر پل به واسطه درهائی که به هر چشمه گذراده‌اند می‌توان عبور نمود از پلکانی که در قطر پایه پل ساخته شده از روی پل به زیر چشمه‌ها و طاقها پائین می‌روند و همینطور پله هائی در دو طرف دارد که به بالای مهتابی

روی راهروها صعود می‌نمایند و عرض راه پله‌ها بیش از ۲ تراز (۴ ذرع تقریباً) است، و در دو طرف نرده و محافظی کشیده‌اند که از پرت شده جلوگیری می‌نمایند.

بنابراین این شش محبر در روی این پل وجود دارد: یکی در وسط و چهار تا در دو طرف که عبارت است از ی زیر و بالای هراهرورهای پلکان تنگی که به زیر پل می‌رود حقیقتاً این پل از روی صنعت و استادی بنا شده و می‌توان گفت قشنگترین صنعت و شاهکار ابنیه ایران است، اما بسی دور است از اینکه به استمکام پل نف پاریس ساخته شده باشد.

سرپرسی سایکس انگلیسی در شرمی که راجع به پل زاینده رود نوشته بود گفته بود که این پل با اینکه روی به ویرانی نهاده از پل های درجه اول عالم است و اما تاورنیه تعصب ملی نگذارد که در قضاوت خود انصراف نرزد، گرچه تاورنیه در کلیه موارد نظرش ساده نبود و اغلب فواسته است بناها و دیگر آثار ایران را کوچک و پست جلوه دهد و از دیگران هم استفاده کرده که در تجلیل اصفهان غلو کرده‌اند.

اینکه آرای مختلفی راجع به این پل نگاشته شد برای امکان استخراج نظر صمیم و صائب درباره آن بود و اینکه درستی و نادرستی نظرهایی چون نظر تاورنیه معلوم گردد. در هر حال اکنون این پل در اصفهان ممتاز و در درجه اول قرار دارد و چون از آثار باستانی به شمار می‌رود زیر شماره ۱۱۰، به ثبت تاریخی رسیده است.

شاه عباس اول به طوری که مورخان و سیاحان خارجی نوشته‌اند در هر حال در جشن آبریزان شرکت می‌کرد و اگر در اصفهان بود در کنار زاینده بود برابر پل سی و سه پل و اگر در مازندران بود در کنار دریای فزر، و گاهی روی پل سی و سه پل می‌گزر می‌کرد.

در کتاب زندگانی شاه عباس اول راجع به جشن نوروز که شاه در سال ۱۰۱۸ هجری در روی پل سی و سه پل برگزار کرده چنین نوشته است.

جشن نوروز غالباً از سه تا هفت شبانه روز دوام می‌یافت. گذشته از باغ نقش جهان پل اللهوردی خان را نیز آئین می‌بستند و چراغان می‌کردند. و گاه به فرمان شاه عباس بر سر پل مراسم گلریزان صورت می‌گرفت، و گل‌های فراوان در راه شاه و همراهان او ریخته می‌شد. از آن جمله در سال ۱۰۱۸ با آنکه جشن فروردین مصادف با ماه ممره بود، به فرمان شاه هفت شبانه روز جشن نوروزی گرفتند و بر سر پل گلریزان کردند و چون مردم اصفهان در چراغان و آئین بندی هنر نمائی بسیار کرده بودند، شاه مبلغ پانصد تومان از مالیات آن سال را به ایشان بخشید.

در تاریخ این جشن و گلریزان میر میدر محمائی کاشی چنین سروده است:

گل گشت روی پل چو کند فسرو عجم گل گشت روی پل پی تاریخ کن رقم



موضوعی که باقی ماند تاریخ بنای پل است که بامر شاه عباس کبیر انجام شده است.

آنچه مسلم است در سال ۱۰۱۸ که جشن گلریزان در مضور شاه عباس انجام گردید پل

مزبور ساخته بوده است ولی مورخان سال اتمام را متفاوت نوشته‌اند:

اسکندربیک در عالم آراء در وقایع سال (۱۰۱۱) چنین نوشته:

در انتهای خیابان باغی بزرگ و وسیع، پست و بلند، نه طبقه جهت خاص پادشاهی طرح

انداخته بباغ عباس آباد موسوم گردانیدند و پل عالی مشتمل بر چهل چشمه به طرز خاص،

میان گشاده که در هنگام طغیان آب در کل، یک چشمه به نظر در می‌آید، قرار دادند که

بر زاینده رود بسته شده هر دو خیابان بیکدیگر اتصال یابد.

ماچ میرزا حسن خان جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری در وقایع اسل ۱۰۰۵ ه.ق (چنین

نوشته:

شاه عباس اصفهان را پای تفت دائمی خود نموده طرح عمارات عالیه انداغ، سر درب درب

قیصریه جنگ او است با ازبکان.

و در وقایع سال (۱۰۰۸ ه.ق) چنین نوشته:

شاه از هرات به اصفهان آمده و تکمیل طرح عمارات و باغات که هر یک از امراء باغی به  
نما خود ساخته در مواشی چهار باغ کهنه در چهار باغ بالا.

و نیز در وقایع سال (۱۰۰۸ ه.ق) می نویسد:

شاه عباس به اصفهان برگشت، الهوردیفان را فرمود پل زاینده رود را با عمارات دیوانی  
بسافت.

در وقایع سال (۱۰۱۲) نوشته است:

بنای سر درب عالی عیصریه و کاشی کاری ممتاز آن ...

میرزا علینقی کمره‌ای متخلص به نقی که از شعرای زمان بوده ماده تاریخی سروده که  
ابیات آن چنین است:

فلک قدر الله و یردی که قدر ز عباس شاه اندر ایام یافت

بامداد بیگ ویردی دادگر پلی کدر آغاز و انجام یافت

بسعی ملک سیرت آقا مسین بنفیر العمل مسن اتمام یافت

به دست زبر دست صعب امیر چو بند امیر این بنا نام یافت

پی سال تاریخ این پل نیافت کسی فوئتر از «پل اتمام یافت»

ظاهراً گفته عالم آرا اینستکه پل در سال (۱۰۱۱ ه.ق) سافته شد و گفته‌های جابر انصاری

قسمتی مای است که در سال مزبور سافته شده و قسمتی می‌رساند که دستور داده شده

که بسازند و در قسمت نوشته که ساختن آن با سر در قیصریه مقارن بوده و مال آنکه

سافتمان سر در قیصریه را از وقایع سال ۱۰۱۲ نوشته است. و هیچ اشاره بسند این گفته‌ها

هم نشده است.

ماده تاریخ منسوب به نقی کمره‌ای هم مای است که سافتمان پل امیر در سال (۱۰۰۵

ه.ق) انجام یافته است ولی تاریخ شروع آن معلوم نیست و باید اذعان کرد که اگر منظور

همان پل چهل چشمه و یا اللهوردیمان باشد ممال است که در ظرف یکسال چنین پلی

سافته شده باشد و مدال باید در سال (۱۰۰۳ ه.ق) شروع شده باشد تا در (۱۰۰۵ ه.ق) به

اتمام برسد.

آنچه به نظر می‌رسد این است که برای سافتمان عباس آباد مسلم است که باید ابتداء

پل واسطه سافته شود و سپس شروع به سافتمان آن طرف پل شود. تاریخ سافتمان

چهارباغ یعنی اتمام آن مطابق ماده تاریخی که سروده‌اند و عالم آراء نوشته است. هزار و

پنج هجری است و ماده تاریخ چنین است:

عجب پارباغی است بهجت فزا گرش ثانی خلد گویند شاید

چو تاریخ آن دل طلب کرد گفتم: نهالش به کام دل شه بر آید

که با مساب هروف جمل با هزار و پنج مطابقت دارد و نیز تاریخ تگائی که در خیابان چهارباغ طبق دسترو شاه عباس ساخته شده سال هزار و یازده است که در تذکره نصرآبادی به نقل از تاریخ جلال منجم به شاه عباس اول منسوب شده و آن ماده تاریخ چنین است:

کلبه‌ای را که من شدم بانی مطلبم تکیه سگان علی است

زین سبب فیض یافتم ز اله که مرا مهر با علی ازلی است

فانه دلگشا شدش تاریخ چونکه از کلب آستان علی است

و از طرفی اللهوردیخان در سال (۱۰۰۴ ه.ق) از طرف شاه عباس اول به ایالت فارس منسوب گردید و در آنجا به اداره امور و تمشیت می‌پرداخت تا اینکه حکومت کهگیلویه هم بر مزوه حکومتش افزوده گردید و از مجموع این تواریخ استنباط می‌شود که شاه عباس پس از استقرار به سلطنت و پیش از اینکه مقرر خود را صافهان قرار دهد در صدد بوده که اصفهان را به پایتختی انتخاب کند و از این رو دستور داده بود که طرمهائی برای آبادی اصفهان مهیا کردن آن برای پایتختی ریخته شود و شاید اعزام اللهوردیخان به فراس هم از

این نظر بوده که اقدامات عمرانی اصفهان هم زیر نظر او قرار گیرد و عمدتاً باید عمران اصفهان از بعد از تاریخ اعزام اللهوردیخان یعنی بعد از سال (۱۰۰۴ هجری) انجام یافته باشد و تقریباً هم همین طور است چه مطابق ماده تاریخی نقی کمره‌ای هم سافتمان پل اللهوردیخانه در سال (۱۰۰۵ ه.ق) اتمام یافته و عمران خیابان چهار باغ در (۱۰۰۵ ه.ق) و تکایا چهارباغ در (۱۰۱۱ ه.ق) و در سال (۱۰۲۵ ه.ق) تمام ساختمانهای که از زمان شاه عباس شروع شده بوده سرانجام یافته بوده است.

و اما اینکه گفته شده در سال (۱۰۱۱ ه.ق) مأمور سافتمان پل شده با تاریخ اتمام پل که (۱۰۰۵ ه.ق) باشد مغایر است، می توان گفت اللهوردیخان ابتداء طبقه زیرین پل را برای امکان عبور و مرور ساخته بوده که در (۱۰۰۵ ه.ق) به اتمام رسیده بوده و بعد در (۱۰۱۱ ه.ق) مأمور شده که پل را به اتمام برساند یعنی طبقه بالا را نیز بسازد که در موقع طغیان رودخانه هم عبور و مرور از طبقه دوم مقدور باشد و شاید طغیان رودخانه زاینده رود موجب تکمیل پل بوده است و با این فرض دیگر مغایرتی در بین نخواهد بود.

نظر دیگری هم امکان دارد و آن این است که بگوئیم پل موضوع ماده تاریخی نقی کمره‌ای در فارس بوده نه در اصفهان ولی چون در تاریخ چنین اشاره‌ای نشد ناچار باید پل موضوع ماده تاریخی نقی را همان پل سی و سه پل دانست.